

پزشکان کارگر، پزشکان سرمایه دار



فعالین لغو کارمزدی / خرداد ۱۴۰۱

کارگر یا سرمایه دار بودن آدم‌ها را رشته آموزشی، مدرک تحصیلی، محل اشتغال یا مولد و نامولد بودن کارشان تعیین نمی‌کند، هستی اجتماعی و کل تعلقات طبقاتی آنان است که در این گذر حکم می‌دهد و خط تفکیک می‌کشد. کارگر فروشنده نیروی کار است و فروشنده‌ی نیروی کار معنای زمینی، طبقاتی، مارکسی و ریشه‌ی کاو خود را دارد. هر که «حقوق» گرفت کارگر نیست، هر که مزدی هم پرداخت لزوماً سرمایه‌دار نیست. فروش نیروی کار، جدا شدن فروشنده از کار خویش، بیگانه شدنش با کار خود، تبدیل شدن کار و حاصل کارش به سرمایه، صف کشیدن کار بیگانه شده‌اش در هیأت سرمایه، علیه تمامی هست و نیست وی، ساقط شدن از حق دخالت در تعیین سرنوشت کار و تولید خویش، سقوط کامل از هر گونه دخالت واقعی، آزاد، مختار و اثرگذار در رقم زدن زندگی خود، تحمل اجباری و قهری حکمرانی سرمایه در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، مدنی، حقوقی، فکری، فرهنگی یا کل قلمروهای زندگی اجتماعی، تحمل جبرآمیز تمامی اشکال وارونه‌پردازی، مسخ و تحریفی است که سرمایه‌قهر از همه این واقعیت‌ها به عمل می‌آورد و مستولی می‌سازد. یک پزشک کارگر است زمانی که معیشت، شرایط زندگی و کارش، سهمش از کل حاصل کار و تولید، موقعیت او در سازمان کار موجود، تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نظم جامعه حاضر، مصداق شاخص‌ها و ویژگی‌های بالا باشد. پزشک همچنین سرمایه‌دار است زمانی که رابطه خرید و فروش نیروی کار در کلیه تشخص‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فکری، فرهنگی، برنامه‌ریزی، سهم از فراورده‌های کار و تولید و نوع اینها در مجموع و جدا از تمایزات جبری جاری میان بخش‌های مختلف طبقه سرمایه‌دار به نفع وی باشد و بر وفق خواسته‌های او چرخد. فراموش نکنیم که سرمایه‌دار هیچ لازم نیست مالک تراست صنعتی، بانکدار، تاجر، صاحب کمپانی حمل و نقل و مشابه اینها باشد. بدون اینها هم می‌تواند نه فقط سرمایه‌دار که عنصر سلسله‌جنبان آوارسازی کل استثمار، سببیت، بربریت، جنگ افروزی و فاجعه‌آفرینی سرمایه‌به‌بدترین شکل آن بر سر توده‌های کارگر دنیا باشد.

نکات بالا را برای نظریه پردازی نیاوردیم، مقدمه ای برای پیش کشیدن بسیار موجز و اشاره وار موضوعی است که این روزها همه جا بر سر زبان ها است. از خودگذشتگی ها، شجاعت ها، فداکاری ها، انسانیت ها و انسان گرایی های بسیار پرشکوهی که جمعیت چشمگیری از کارکنان بخش درمان اعم از نظافتچی، کمک بهیار، بهیار، کمک پرستار، پرستار، تکنیسین، پزشکان عمومی، روانشناسان، دندانپزشکان، طبیبان متخصص، روانپزشکان، جراحان، متخصصین بیهوشی و غیره برای نجات جان بیماران مبتلا به کووید ۱۹، در چهار گوشه جهان و بیش از همه در ایران، به نمایش نهاده اند. در این گذر نیاز به هیچ بحثی نیست. صحنه هایی از شکوه، عزت، کرامت، فداکاری، ایثار و شرف انسانی که این جماعت با کار خویش به تصویر کشیده اند، فراتر از آن است که به توصیف آید. آیا همه آحاد این جمعیت فداکار یا نماد پدرخشش اخلاق پرشکوه انسانی را کارگران بخش درمان تشکیل می دادند؟ این پرسشی نیست که بتوان با دقت ریاضی به آن پاسخ داد و از آن مهم تر و اساسی تر، چنین پاسخی لازم هم نیست. در جهنم بردگی مزدی قطعاً افکار، فرهنگ، باورها، اخلاق و ارزش های اجتماعی طبقه مسلط است که بسان بمب بر سر کل جامعه از جمله طبقه کارگر فرو می ریزد اما شرایط کار و زندگی، مبارزه طبقاتی، میدان داری ها، ارزش پردازی ها و ملاک آفرینی های جنبش کارگری و بالاخص جنبش ضد سرمایه داری این طبقه نیز متناسب با توانائی، وسعت، خروش و تاخت و تاز خود تأثیر خاص خود را بر جای می گذارد، تغییر می دهد، می آفریند، جایگزین می سازد و در این گذر حتی افراد و عناصری از طبقه دشمن را با کيفر خواست بسیار پرشکوه انسانی خود میخکوب می کند. این نکته بنیادی و واقعی را هم باید وارد محاسبات ساخت. مارکس در همان لحظه که با تکیه بر کوه عظیم کالبدشکافی های رادیکال طبقاتی از تاریخ، بر سر چشمه واقعی پرخروش کمونیسم در ژرفنای هستی اجتماعی و جنبش توده های کارگر انگشت تأکید می کوبید، این را هم یادآور می شد که احتمال اثرپذیری و پرتوگیر شدن افرادی از طبقات اجتماعی دیگر، از این جنبش تحت شرایط خاص وجود دارد. بعلاوه از یاد نبریم که کمونیسم طبقه کارگر پیامی صرفاً به کارگران نیست، مانیفستی خطاب به بشریت است زیرا مانیفست رهائی انسان حتی وحوش سرمایه دار از گنداب بربریت زای سرمایه داری است. در این میان و با همه این حرفها، اما یک چیز را باید با همه قاطعیت لازم و بدون هیچ تردید یا حتی ابهام تأکید کرد. آنچه تک، تک کارکنان بسیار ایثارگر و از خود گذشته بخش درمان انجام دادند، به هیچ وجه از هستی اجتماعی طبقه سرمایه دار، از زمین زندگی و فکر و فرهنگ و ارزش های اجتماعی این طبقه درنده بر نمی خیزد، با آن نمی تابد و سر آشتی ندارد. آنچه اینان به نمایش نهادند خصوصیات، خلیقات و رفتاری است که شایسته انسانهای کارگر پیراسته از آلودگیها، پلیدیها و پلشتی های سرمایه داری است. ما این ها را افراد طبقه خود می دانیم.

اما ببینیم و بکاویم که پزشکان سرمایه دار در این راستا چه کرده و در طول این مدت دست به چه کارهایی

زده اند؟ تکلیف دولتمردان پزشک کاملاً روشن است، آنها جزء لایتجزای ساختار موجودیت و قدرت سرمایه اند، در اعمال کلیه توحش ها، قتل عام ها، دروغ پردازی ها، عوامفریبی ها و بربریت ها علیه کارگران، دژخیمانۀ ترین و سفاکانۀ ترین نقش ها را ایفا نموده اند. در مورد اینان نیاز به گفتن نیست. سخن بر سر خیل عظیم پزشکانی است که شاید دولتی هم نیستند، حداقل، آرایش دولتی ندارند، چه بسا اپوزیسیون نشین و منتقدان پر سر و صدای مدیریت، صلاحیت، کفایت و کمبود «شایسته سالاری» حاکمان روز سرمایه داری باشند. این جماعت به محض شنیدن اخبار مربوط به ظهور کرونا در چین، بدون هیچ درنگ با آغوشی بسیار گشاده، هیجانی پر خروش و تجهیزاتی نیرومند به استقبال و بیروس رفتند، از ژرفنای وجود مقدمش را گرمی داشتند، ورودش را نعمت، شیوعش را فرصت، کشتار آفرینی و حمام خونهایش را طلوعی فرخنده و میمون در آفاق سرمایه گذاری ها دیدند. مصمم و آهنین عزم دست به کار شدند تا پاندمی کرونا را به طلائی ترین حوزه انباشت سرمایه و گسترش پاندمیک آن را ساز و برگ طغیان سونامی های سود سازند. شروع به برپائی بیمارستان های شخصی کردند، شبکه های مافیائی چیره دست آفریدند، از درون این شبکه ها پروتکل های عظیم تجاری امضاء کردند. بیماران را از مراکز مختلف درمانی به سوی بیمارستان های شخصی راندند. برای این کار به استخدام نیروی کار پرداختند، همزمان با تمامی نهاد های بانکی، مؤسسات بازرگانی، سازمان های دولتی و مافیاهای اقتصادی وارد گفتگو شدند، با ارز دولتی وافی و کافی شروع به واردات کالاهای مورد نیاز این تجارت از قبیل ماسک، دستکش، کپسول اکسیژن یا وسائل دیگر کردند، همه این فعالیت ها را به طور گسترده انجام دادند، تا چه کنند؟ تا جمعیت نفرین شده و سیه روز کارگران مبتلا به کووید ۱۹ را زیر نام درمان آماج و حشیمانۀ ترین سلاخی ها قرار دهند، تا اگر این کارگران ربالی برای هزینه معاش، اجاره بهای مسکن یا دارو و درمان کودکان خویش برایشان باقی مانده از دستشان خارج و سود کثیف سرمایه های پیش ریز شده خویش سازند، تا طبابت را سرمایه با سودهای عظیم و پر خروش کنند، تا هر چه انسانی و انسانیت است را بمباران و حاصل این بمباران را سرمایه و سود کنند. در همان روزهایی که جمعیت عظیم پرستار، پزشک، کمک پرستار، بهیار، تکنیسین و در یک کلام کارگران شبکه درمان پرشکوه ترین صحنه های تلاش برای نجات جان بیماران را به نمایش گذاشتند، این بخش پزشکان نیز میداندار شیفته و دلباخته این سرمایه گذار یها گردیدند. آنها کار بسیار وقیح تر، بی شرمانه تر و جنایت آمیزتری را هم انجام دادند، حتی از خودگذشتگی ها، فداکاریها و عشق انسانی شفاف اولیها به انسان را هم غارت و در نهایت سبعت و بی شرفی، ساز و برگ افزایش سود خود کردند. کارگران ایران در همان حال که ارجگذاری خویش از شرافت، ایثار و انسانیت پرشکوه کارگری بخش نخست را بر سینه تاریخ ثبت می کنند، موج نیرومند قهر، انزجار و نفرت را هم نثار جماعت دوم، سرمایه داران پزشک می سازند.